

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



## خطبه مظلوم

گذری گذرا بر خطبه غدیر

سید حسن موسوی خراسانی



## مقدمه:

شرح و توضیحی بر خطبه غدیر ، خطبه‌ای که در روزی سرنوشت ساز از زبانی صادق در گرمای منطقه جحفه از سرزمین غدیر خم در روزگاری که ابزاری برای انتقال سخنان نبود به گوش جهانیان رسید سخنانی که بزرگترین شخصیت بشری یعنی رسول خاتم صلی الله علیه و آله آن را بیان کرد و گوش های مختلفی آنرا شنیدند و چند روز بعد سوغات سفر حج آن سال شد و حاجیان به عنوان مهم ترین خبر به مردم تحویل دادند و آنان هم به دیگران گفتند و هنوز می گویند - پس از مطالعه خطابه غدیر بر خود عهد کردم که با این قلم شکسته آن را که صاحبان قلم و تعهد نوشته و نگاشته‌اند به سهم خود کمی مختصر تر و اندکی فصل فصل بنگارم تا از این دریای فیاض ولایت قطره‌ای هم نصیب من شود.

امید است بر این نوشته خورده بگیرید و تکمیل کنید و به نسل تشنه حقائق بسپارید تا اندک غباری از چهره اولین مظلوم عالم علی علیه السلام برگیرند و موسی گونه گوساله‌های سامری را رسوا کنند و سیلی به صورت ملاحظه کاران جامعه بزنند که هان ! چه نشسته‌اید که دشمنان علی علیه السلام جولان می‌دهند و اگر آن روز با خودش در نبرد بودند امروز قبرش را نشانه گرفته‌اند و چون خاموش نشینید قبر دختر و پسرش را.

عده‌ای هم در دخمه‌های خانقاه‌ها خزیده و ننگ دیگری بر دامن علی‌شده‌اند پس کی بناست نهج‌البلاغه‌اش، حکمت‌هایش، نامه‌ها و خطبه‌هایش به عالم معرفی شود، وقتی دانشمند غریبه‌ای می‌گوید: نمی‌دانم اگر امروز علی علیه السلام

بر عرشه منبر مسجد کوفه برود تا سخن بگوید جمعیتی که قلم و کاغذ به دست برای نوشتن سخنانش خواهند آمد و اندیشمندانی که برای استفاده حاضر خواهند شد را در کدام مکان می‌توان جا داد! ما به عنوان طرفداران این علی (علیه السلام) چه می‌کنیم، چقدر دنیا را از این داشته خود آگاه کرده‌ایم؟ بیائیم علی (علیه السلام) خانقاهیان سیل در رفته را به خودشان بدهیم، علی (علیه السلام) روشنفکر نماهای ادکلن زده متعفن را به خودشان برگردانیم، علی (علیه السلام) بازاریان متقلب را از علی (علیه السلام) واقعی جدا کنیم و به آنها بگوییم «لکم دینکم ولی دین»

یکی از ناله‌های علی (علیه السلام) این بود که روزگار آن قدر تنزل داد که در سخن گفتن نام مرا با معاویه یکجا می‌بردند!  
«الذَّهْرَ أَنْزَلَنِي حَتَّى يُقَالَ عَلِيٌّ وَمُعَاوِيَةُ!»

امروز همان ناله‌ی مظلومانه به گوش می‌رسد وقتی که پیش‌نماز نالایق مسجدالنبی و مسجد الحرام در خطبه نماز جمعه‌اش نام علی (علیه السلام) را هم می‌برد نام ابوهیره‌ی دوروی، دو چهره، ملعون بی سواد را هم با آب و تاب می‌برد. بیایید علی (علیه السلام) آن‌ها را هم به خودشان بسپاریم تا اگر نام می‌برند از خودشان مایه بگذارند نه اینکه از جیب علی (علیه السلام) بخورند و حدیث دیگران بگویند.

از مطلب دور نشوم بنا بود نکته‌هایی از خطبه غدیر

بنویسم ...

### نکته‌های ماجرای خطبه غدیر

۱ - خطبه غدیر تعیین کننده خط فکری انسانیت تا آخر عمر عالم است ، در آن زمانی که این خطبه ایراد شد زمان حکومت پیامبر ﷺ بود، دین یکی، مکتب یکی و امت یک امت واحد بودند.

۲ - هر کسی سخنان مهمترش را در موقعیتی مهم می‌گوید تا حرفش به قول معروف شهید نشود و پیامبر ﷺ در سال آخر عمرش آن‌هم در آخرین سفر حجش آن‌هم در میان جمعیتی بزرگ که به قول یکی از نقل‌های مشهور نزدیک صد و بیست هزار جمعیت بود بیان فرمود.

۳ - نکته دیگر اینکه رسول خدا ﷺ در همان سفر حجّه الوداع در سرزمین منا دو بار سخنرانی کرد و اذهان مردم را آماده این خطبه نمود تا ولایت امیرمؤمنان را برای بعد از خودش اعلام کند و ضمناً در همان سفر ودایع امامت را به علی (علیه السلام) سپرد و بر اساس نقل حدیث پس از بازگشت به مکه جبرئیل از سوی خدا لقب امیرالمؤمنین را برای علی (علیه السلام) تعیین نمود و حضرت مؤمنان را در همان سفر وادار کرد که از این به بعد با علی (علیه السلام) با خطاب السلام علیک یا امیر المؤمنین روبرو شوند.

۴ - نکته دیگر اینکه : پس از اتمام اعمال حج بلال به امر پیامبر ﷺ به همگان خطاب کرد که فردا به غیر از معلولان همه حرکت می‌کنیم تا به موقع به منطقه غدیر برسیم که پیامبر اکرم ﷺ می‌خواهد سخن بگوید حتی می‌گویند اهل یمن که مسیرشان به سمت شمال هم نبود با اهل کاروان همراه شدند و آمدند.

۵ - صبح روز هجدهم ذیحجه کاروان صد و بیست هزار نفری حرکت کردند و بالاخره پس از طی مسافتی به سرزمین غدیر خم رسیدند ، دستور صادر شد همه پیاده شوند صبر کنید بقیه برسند - کسانی که از راه‌های دیگر رفتند برگردند و سلمان و مقداد و ابوذر و عمار مأمور شدند زیر چند درخت کهنسال را آب و جارو کنند و خالی نگهدارند و روی درخت‌ها را پارچه‌هایی بیندازند تا اندکی سایه شود و با آبی که در برکه بود زمین را آب پاشی کنند و سنگ‌های بزرگ‌تر آن را برچینند و خارها را بکنند.

۶ - این‌جا محل اقامتی سه روزه است که حاجیان باید در اینجا مستقر باشند، روز سوم با سنگ‌ها و روانداز شتران منبری به قامت رسول خدا ﷺ ساختند و پارچه روی آن انداختند. محل استقرار رسول الله ﷺ طوری بود که صدای حضرت به دو طرف جمعیت می‌رسید و چهره دلربایش را نیز می‌دیدند و البته چند نفر هم مأمور شدند طبق معمول آن روز حرفهای حضرت را برای دور دست‌ترها تکرار کنند .

۷ - منادی رسول الله فریاد برآورد که همه صف بکشند تا نماز را به امامت رسول خدا ﷺ بخوانند، نماز تمام شد همه گردن می‌کشیدند که چه زمانی پیامبر ﷺ بر عرشه این منبر سرنوشت‌ساز بالا می‌رود که بالاخره رسول خاتم ﷺ بر بالای منبر قرار گرفت و دستور داد علی (علیه السلام) هم بالا برود ، علی (علیه السلام) هم به امر رسول خدا ﷺ بالا رفت و یک پله پایین‌تر از پیامبر ﷺ در سمت راست حضرت ایستاد سپس حضرت نگاهی به سمت راست و چپ جمعیت کرد و منتظر سکوت کامل شد، منبری که دو نفر بالای آن باشند برای



مردم تازگی داشت از موضوع سخنرانی هم مردم آگاهی نداشتند فقط اهمیت آن را از قرائن آن حدس می‌زدند.

## آغاز سخن حضرت در ۱۱ بخش

### اولاً

حضرت به حمد و ثنای خدا ، بیان صفات قدرت و رحمت او و به بندگی خود در برابر خداوند اقرار و اعتراف نمود:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَلِيَ فِي تَوْحُّدِهِ وَدَنَا فِي تَقَرُّدِهِ»

حمد و سپاس خدائی را که در یگانگی خود بلند مرتبه و در تنهایی فرد بودنش نزدیک است ...

### ثانیاً

فرمودند که باید فرمان مهمی درباره علی (علیه السلام) به شما ابلاغ کنم که اگر نکنم رسالتم ناقص است و از عذاب خدا می‌ترسم :

«فَأَوْحَىٰ إِلَيَّ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ...»

خداوند چنین به من وحی کرده است: ای پیامبر (ص) ابلاغ آنچه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده ...

### ثالثاً

باید دوازده امام شما را معرفی کنم :

«مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّ عَلِيًّا وَالطَّيِّبِينَ مِنْ وُلْدِي «مِنْ صُلْبِهِ» هُمُ الثَّقَلُ الْأَصْغَرُ، وَالْقُرْآنُ الثَّقَلُ الْأَكْبَرُ...  
أَلَا إِنَّهُمْ أَمَنَاءُ اللَّهِ فِي خَلْقِهِ وَحُكَّامُهُ فِي أَرْضِهِ.  
أَلَا وَقَدْ آدَيْتُ»

ای مردم ، علی (علیه السلام) و پاکان از فرزندانم از نسل او ثقل اصغرند و قرآن ثقل اکبر است . . . بدانید که آنان امین های خداوند بین مردم و حاکمان او در زمین هستند.

#### رابعاً

بازوی علی (علیه السلام) را گرفتند و بالا آوردند :  
طوری علی (علیه السلام) را بلند کردند که پاهای علی (علیه السلام) مقابل زانوان پیامبر (صلی الله علیه و آله) قرار گرفته بود و فرمود :  
«...مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ...»

. . . بدانید که هر کس من صاحب اختیار اویم این علی (علیه السلام) صاحب اختیار اوست . . .

#### خامساً

در توصیف علی (علیه السلام) فرمود:  
«مَعَاشِرَ النَّاسِ، هَذَا عَلِيٌّ أَخِي وَوَصِيٌّ وَوَاعِي عِلْمِي، وَ خَلِيفَتِي فِي أُمَّتِي عَلِيٌّ مَنْ آمَنَ بِي وَ...»

«مَعَاشِرَ النَّاسِ، ذُرِّيَّةُ كُلِّ نَبِيٍّ مِنْ صُلْبِهِ، وَذُرِّيَّتِي مِنْ صُلْبِ «أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ» عَلِيٍّ... أَلَا وَإِنَّهُ لَا يَبْغِضُ عَلِيًّا إِلَّا شَقِيٌّ، وَلَا يُؤَالِي عَلِيًّا إِلَّا تَقِيٌّ، وَلَا يُؤْمِنُ بِهِ إِلَّا مُؤْمِنٌ

### مُخْلِصٌ

ای مردم این علی (علیه السلام) برادر من و وصی و در بردارنده علم من است و جانشین من در امتم می باشد بر هر کسی که به من ایمان دارد و ...

ای مردم نسل هر پیامبری از صلب خود او هستند ولی نسل من از صلب امیر المؤمنین علی (علیه السلام) است بدانید که با علی (علیه السلام) دشمنی نمی کند مگر شقی و با علی (علیه السلام) دوستی نمی کند مگر با تقوی ...

### سادساً

فرمود من مأمور به چشم پوشی از بعضیها در دنیا هستم! ولی بدانند این چشم پوشی باعث تخفیف عذاب آنها در آخرت نخواهد بود. سپس حضرت از آنها اظهار بیزارى کرد و به اصحاب صحیفه ملعونه و غاصبین حق امامت لعنت کرده و آنها را ملعون و غاصب شمرد.

«مَعَاشِرَ النَّاسِ، أَنْذِرُكُمْ أَنْى رَسُولُ اللَّهِ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِ الرُّسُلِ، أَفَأَنْ مِتُّ أَوْ قُتِلْتُ انْقَلَبْتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ؟»  
«مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّهُ سَيَكُونُ مِنْ بَعْدِي أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ لَا يُنصَرُونَ»

ای مردم شمارا می ترسانم و انذار می نمایم که من رسول خدا (ص) هستم و قبل از من پیامبران بوده اند آیا اگر من بمیرم یا کشته شوم شما عقب گرد می نمائید؟ هرکس به عقب برگردد به خدا ضرری نمی رساند.

ای مردم بعد از من امامانی خواهند آمد که به آتش دعوت می کنند و روز قیامت یاری و کمک نمی شوند خدا و من از آنها

بیزار هستیم ...

### سابعاً

حضرت به اثرات و ثمرات ولایت اهل بیت (علیهم السلام) اشاره می کند و می فرماید اهل بیت همان صراط مستقیم هستند که در نماز از خدا طلب می کنیم و اشاره به اهل بهشت یعنی پیروان محمد و آل محمد و اهل جهنم دشمنان محمد و آل محمد دارد.

«أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَهُمُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِالْغَيْبِ، لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ»

«مَعَاشِرَ النَّاسِ، أَلَا وَإِنِّي «أَنَا» التَّذِيرُ وَعَلِيَّ الْبَشِيرُ»

«مَعَاشِرَ النَّاسِ»، أَلَا وَإِنِّي مُنذِرٌ وَعَلِيٌّ هَادٍ»

«مَعَاشِرَ النَّاسِ» «أَلَا» وَإِنِّي نَبِيٌّ وَعَلِيٌّ وَصِيٌّ»

بدانید که دوستان اهل بیت کسانی هستند که در پنهانی از پروردگارشان می ترسند ...

ای مردم بدانید که من نذیر و ترساننده ام و علی (علیه السلام) بشارت دهنده است.

ای مردم بدانید من منذر و بر حذر دارنده ام و علی (علیه السلام) هدایت کننده است.

ای مردم بدانید من پیامبرم و علی (علیه السلام) جانشین من است.

### ثامناً

مطالبی سازنده و اساسی درباره حضرت مهدی (علیه السلام) که از صلب پیامبر (صلی الله علیه و آله) و علی (علیه السلام) است می فرماید :

«أَلَا إِنَّ خَاتَمَ الْأَئِمَّةِ مِنَ الْقَائِمِ الْمَهْدِي  
 أَلَا إِنَّهُ التَّاصِرُ لِدِينِ اللَّهِ  
 أَلَا إِنَّهُ الْمَخْبِرُ عَنْ رَبِّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَالْمَشِيدُ لِأَمْرِيَاتِهِ  
 أَلَا إِنَّهُ الْبَاقِي حُجَّةً وَلَا حُجَّةَ بَعْدَهُ وَلَا حَقَّ إِلَّا مَعَهُ  
 وَلَا نُورَ إِلَّا عِنْدَهُ»

ای مردم بدانید که خاتم امامان مهدی علیه السلام قائم از ماست ...  
 ای مردم بدانید که او یاری دهنده دین خداست.  
 بدانید که او خیر دهنده از خدا عزوجل است ...  
 بدانید او حجت باقی است و حجتی پس از او نیست،  
 بدانید که او (قائم) دربردارنده حق است و هیچ غیر از او  
 وجود ندارد و هیچ نوری جز آنچه نزد اوست نمی باشد.

### تاسعاً

مردم را دعوت به بیعت با خود و با علی علیه السلام می کنند و  
 آن را از سوی خدا و بیعت با خدا دانستند:

«مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنِّي قَدِ بَيَّنْتُ لَكُمْ وَأَفْهَمْتُكُمْ، وَهَذَا  
 عَلِيٌّ يُفْهَمُكُمْ بَعْدِي. أَلَا وَإِنِّي عِنْدَ انْقِضَاءِ خُطْبَتِي  
 أَدْعُوكُمْ إِلَى مُصَافَقَتِي عَلَى بَيْعَتِهِ وَالإِقْرَابِهِ، ثُمَّ  
 مُصَافَقَتِهِ بَعْدِي. أَلَا وَإِنِّي قَدِ بَايَعْتُ اللَّهَ وَعَلِيٌّ قَدِ بَايَعَنِي.  
 وَأَنَا آخِذُكُمْ بِالْبَيْعَةِ لَهُ عَنِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ «إِنَّ الَّذِينَ  
 يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ، يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ...»

ای مردم من برایتان روشن کردم و به شما فهمانیدم و این

علی علیه السلام است که بعد از من به شما می فهماند.

ای مردم بدانید : که من با خدا بیعت کرده ام و علی علیه السلام با من بیعت کرده است و من از جانب خداوند برای او از شما بیعت می گیرم " انما یبایعون الله ...

### عاشرأ

حضرت در مورد بیان احکام بعد از خودش که باید از امامان گرفته شود فرمود من از شما بیعت می گیرم که حلال و حرامتان را از ائمه پیروید.

« مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّ الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ مِنْ سَعَائِرِ اللَّهِ - فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا »

« مَعَاشِرَ النَّاسِ، أَتَمُّوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ... فَإِنْ طَالَ عَلَيْكُمْ الْأَمَدُ فَقَصِّرُوا أَوْ نَسِيتُمْ فَعَلِي وَلِيِّكُمْ وَمُبِينٍ لَكُمْ، الَّذِي نَصَبَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَكُمْ بَعْدِي أَمِينَ خَلْقِهِ، إِنَّهُ مِنِّي وَأَنَا مِنْهُ... »

« مَعَاشِرَ النَّاسِ... وَلَا أَمْرَ بِمَعْرُوفٍ وَلَا نَهْيٍ عَنْ مُنْكَرٍ إِلَّا مَعَ إِمَامٍ مَعْصُومٍ »

ای مردم حج و عمره از شعائر الهی هستند « فَمَنْ حَجَّ

الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ... »

ای مردم به حج خانه خدا بروید ...

ای مردم نماز را بپا بدارید و زکوة را بپردازید ...

و اگر زمان طولی بر شما گذشت و کوتاهی نمودید یا فراموش کردید علی (علیه السلام) صاحب اختیار شماسست و برای شما بیان می‌کند او که خداوند عزوجل بعد از من به عنوان امیر بر خلقش او را منصوب نموده است ، او از من است و من از اویم. ای مردم بدانید ... امر به معروف و نهی از منکری نیست مگر با وجود امام معصوم.

### حادی عشر

یک کار عجیبی که مردم ندیده بودند را انجام داد و آن اینکه دستور مصافحه و بیعت صادر فرمود و حتی برای بیعت زنان ظرف آبی طلب کرد و پارچه‌ای روی آن انداخت که در یک طرف دست امام علی (علیه السلام) و در طرفی دست بیعت کننده زن باشد.

«مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّكُمْ أَكْثَرُ مِنْ أَنْ تُصَافِقُونِي بِكَفِّ وَاحِدٍ فِي وَقْتٍ وَاحِدٍ، وَقَدْ أَمَرَنِي اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ أَنْ أَخْذَمَ مِنْ أَلْسِنَتِكُمْ إِلَّا قَرَارَ بِنَا عَقَدْتُ لِعَلِيٍّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، وَلَمَنْ جَاءَ بَعْدَهُ مِنَ الْأَئِمَّةِ مِنِّي وَمِنْهُ، عَلَيَّ مَا أَعْلَمْتُكُمْ أَنَّ ذُرِّيَّتِي مِنْ صُلْبِهِ.»

فَقُولُوا بِأَجْمَعِكُمْ: «إِنَّا سَامِعُونَ مُطِيعُونَ رَاضُونَ مُنْقَادُونَ لِمَا بَلَغَتْ عَنْ رَبِّنَا وَرَبِّكَ فِي أَمْرِ إِمَامِنَا عَلِيِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَمَنْ وُلِدَ مِنْ صُلْبِهِ مِنَ الْأَئِمَّةِ»

«مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّ فَضَائِلَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عِنْدَ اللَّهِ

عَزَّوَجَلَّ - وَقَدْ أَنْزَلَهَا فِي الْقُرْآنِ - أَكْثَرُ مَنْ أَنْ أَحْصِيَهَا فِي  
مَقَامٍ وَاحِدٍ، فَمَنْ أَتَبَاكَ بِهَا وَعَرَفَهَا فَصَدَّقُوهُ»

ای مردم! شما بیش از آن هستید که با یک دست و در یک زمان با من دست دهید و پروردگارم مرا مأمور کرده است که از زبان شما اقرار بگیرم درباره آنچه منعقد نمودم برای علی علیه السلام امیر مؤمنان و امامانی که بعد از او می آیند و از نسل من و اویند چنانکه به شما فهماندم که فرزندان من از صلب اویند پس همگان بگویند:

ما شنیدیم و اطاعت می‌کنیم و راضی هستیم و سر تسلیم فرود می‌آوریم درباره آنچه از جانب پروردگارما و خودت به ما رساندی درباره امر امامت امامان علی علیه السلام امیرالمؤمنین و امامانی که از صلب او به دنیا می‌آیند بر این مطلب با قلب هایمان و جانمان و زبانمان و با دستانمان با تو بیعت می‌کنیم، بر این عقیده زنده‌ایم و با آن می‌میریم و روز محشر با آن محشور می‌شویم.

ای مردم! فضائل علی بن ابیطالب علیه السلام نزد خداوند که در قرآن آن را نازل کرده بیش از آن است که همه را در یک مجلس بشمارم...

ای مردم هرکسی خدا و رسولش و علی علیه السلام و امامانی را که ذکر کردم اطاعت کند به رستگاری بزرگ دست یافته است...

<sup>۱</sup> سند حدیث: بحار الانوار جلد ۷ / صفحه ۱۱۱

الغدیر جلد ۱ / صفحه ۹



### نکاتی چند:

۱- اولین کسانی که خود را جلو انداخته و از همه زودتر تبریک گفتند همان اولین کسانی بودند که بیعت خود را شکستند که عبارتند از:

ابوبکر، عمر، عثمان، طلحه و زبیر که پس از رحلت پیامبر ﷺ در مقابل حضرت علی (علیه السلام) صف‌آرایی و دشمنی کردند.

### نکته دیگر اینکه :

۲- قبل از بیعت عمر و ابوبکر اعتراضاً به پیامبر ﷺ گفتند: ولایت علی (علیه السلام) را از طرف خدا می‌گویی یا از طرف خودت؟! و رسول خدا فرمود از طرف خدا و رسولش!

### نکته دیگر اینکه :

۳- پیامبر ﷺ دستور دادند دو خیمه برپا کردند در یکی خود حضرت نشست و به مدت سه روز به تبریک‌ها پاسخ می‌داد و در یکی علی (علیه السلام) که با عنوان امیر المؤمنین خطاب می‌شد و این سه روز را ایام الولاية نام‌گذاری کردند.

### نکته ای مهم :

۴- از آنجا که مصافحه و دست دادن با فرد فرد جمعیت سخت بود رسول خدا ﷺ جملاتی را خواند و فرمود همه با من این جملات را تکرار کنید که عبارتند از:

ما فرمان تو از جانب خدا که درباره علی بن ابیطالب (علیه السلام) و امامان از فرزندانش را به ما رساندی اطاعت می‌کنیم و به آن راضی هستیم ...

**نکته‌ای دیگر :**

۵- در این حماسه بزرگ حضرت رسول خدا ﷺ عمامه خود که عمامه سحاب نامیده می‌شد را روی سر علی (علیه السلام) گذاشت و حسان بن ثابت از پیامبر ﷺ اجازه خواست تا برای این جریان شعری بسراید و شعری را در همان صحنه آماده کرد و بر بالای بلندی برای مردم خواند و به عنوان یک سند تاریخی از جریان غدیر در تاریخ ثبت شد .

**نکته‌ای ظریف :**

۶- مردی خوش چهره و زیبا در کنار مردم می‌گفت: به- خدا قسم روزی مانند این روز ندیدم ، چقدر کار پسر عمویش را محکم نموده ، برای او پیمانی بست که جز کافر به خدا و رسولش آنرا برهم نمی‌زند وای بر کسی که پیمان او را بشکند .

عُمر نزد پیامبر ﷺ آمد و گفت : شنیدی این مرد چه گفت ؟ حضرت فرمودند او را شناختی ؟ گفت : نه فرمود: او روح الامین جبرئیل بود تو مواظب باش این پیمان را نشکنی اگر چنین کنی خدا و رسول و ملائکه و مؤمنان از تو بیزار خواهند بود!!

می‌گویند شیطان اعوان شکست خورده خود را جمع کرد و به آنها دلداری داد که از این ماجرای عظیم نگران نشوید بعد از تمام پیامبران اختلافات بزرگی بوده است و همه را من جهت داده ام اینجا هم با من!!

**نکته بعد:**

۷- منافقینی که این ماجرای بزرگ را شاهد بودند و از

طرفی خبر رحلت قریب الوقوع پیامبر ﷺ را نیز شنیده بودند عزا گرفتند که چه خواهیم کرد ! که علی (علیه السلام) به جای پیامبر ﷺ آمد و توطئه های آن ها نقش بر آب شد!

### و نکته‌ای جدید:

۸- شاید نوشته‌ای تحت عنوان صحیفه ملعونه را شنیده باشید ، قضیه از این قرار است که دو نفر از رؤسای منافقین در یک توطئه با هم هم پیمان شدند که اگر محمد از دنیا رفت یا کشته شد نگذاریم خلافت و جانشینی او در اهل بیتش مستقر شود.

سه نفر دیگر هم بعداً با آنان هم پیمان شدند و نامه‌ای که نوشتند را در کنار کعبه زیر خاک پنهان کردند ، این جریان نزدیک به مسافرت پیامبر ﷺ به حجۃ الوداع صورت گرفت.

اینان برای جذب طرفدار برای طرحشان به سراغ بزرگان مهاجرین و انصار رفتند و نیز به نزد سران اوس و خزرج حرکت کردند.

### توطئه‌ای جدیدتر

در جریان حجۃ الوداع همان پنج نفر قبلی با نه نفر دیگر نقشه قتل رسول الله ﷺ را بدینگونه کشیدند که در راه بازگشت از حج در قله هرشی کمین کنند و همین که شتر پیامبر ﷺ سر بالایی کوه را پیمود و در سرازیری قرار گرفت سنگ های بزرگی را به طرف شتر رها کنند تا اینکه شتر رم کند و پیامبر ﷺ را بیندازد و آنها هم از تاریکی شب استفاده کنند و پیامبر ﷺ را بکشند و متواری شوند.

خداوند پیامبر ﷺ را از این توطئه دشمن آگاه کرد و

وعده حفظ او را داد، وقتی که آنها سنگ ها را پرت کردند حضرت با اشاره‌ای به شتر او رامتوقف کرد و این در حالی بود که حذیفه و عمار یکی عنان شتر حضرت را داشت و یکی پشت سر شتر مراقب بود، سنگ ها رد شدند و پیامبر ﷺ سالم ماند، منافقین با شمشیر هایشان به پیامبر ﷺ حمله ور شدند ولی این دونفر حذیفه و عمار جانانه از جان پیامبر ﷺ دفاع کردند و آنها را فراری دادند.

منافقین به پشت سنگ ها خزیدند تا خود را به قافله ملحق کنند ولی با اشاره پیامبر ﷺ یک نوری تایید و برای مدتی فضا را روشن کرد و این دونفر چهره های ۱۴ نفر را پشت سنگ ها و صخره ها دیدند آنها عبارت بودند از : ابوبکر، عمر، عثمان، معاویه، عمروعاص، طلحه، سعد بن ابی وقاص، عبد الرحمن بن عوف، ابو عبیده جراح، ابوموسی اشعری، ابوهریره، مغیره بن (شعبه)، معاذ بن جبل، سالم مولی ابی حذیفه!!

رسول خدا ﷺ به مصلحت زمان با آن ها درگیر نشد!

### جلسه‌ای دیگر :

پس از ورود به مدینه در خانه ابوبکر صحیفه ملعونه دیگری امضاء شد در این جلسه سی و چهار نفر از منافقین که پس از پیامبر ﷺ اغلب آنها در رأس امور قرار گرفتند شرکت داشتند ! که هر کدامشان یا رئیس قبیله‌ای بود یا به نوعی در گروهی از مردم نفوذ داشتند که از آن جمله ابوسفیان و پسر ابوجهل و خالد بن ولید بودند ولی میزبان جلسه ابوبکر بود!!

نامه پلیدی که آن شب امضاء شد را هم به ابو عبیده جراح

دادند که برود مکه و در کنار نامه اولی زیر خاک پنهان کند  
گرچه همه خبائتی را کردند ولی بالاخره نور غدیر غالب شد.

### نکته‌ای درد آور:

آیا می‌دانید که در میان اماکنی که به حاجیان در مدینه و  
مکه نشان زائرین می‌دهند هیچ نشانی از صحرای غدیر و  
منطقه معرفی ولایت امیر مؤمنان نیست و ماجرائی به این  
بزرگی که سرنوشت ساز بود را از عالمیان مخفی نگه  
می‌دارند!

### نکته‌ای تأسف بار:

اینان که خود را برادر ما می‌دانند اگر بناست خطبه  
غدیری که در حضور صد و بیست هزار نفر و در جمع  
رهبران خودشان ایراد شده را انکار کنند بحثی جدا است ولی  
اگر آن را قبول دارند چرا به نکات آن دقت نمی‌کنند، در  
اینجا به برخی از نکات دیگر آن اشاره می‌کنیم تا تمامی اهل  
عالم مظلومیت امیر مؤمنان و ظالمیت طرفش را بدانند.

### نکته هائی فراموش شده:

هزار و چهارصد سال است نکته‌های خطبه غدیر شاید  
به هزار و چهارصد دلیل یا بیشتر مغفول مانده است و  
همچنان که صاحب خطبه مظلوم ماند خطبه‌اش هم  
مغفول و مظلوم مانده است.

### ۱- بعد از هجرت: این اولین حجتی بود که رسول

خدا ﷺ پس از هجرت به مدینه انجام داد که نام آن را  
حجّه الوداع، حجّه الاسلام و حجّه البلاغ و حجّه الکمال و

حجۀ التمام گفته اند در این سفر رسول خدا تمام زنان و اهل حرم را در هودجها قرار دادند و خودشان با یاران در روز ۲۵ ذیقعده به صورت پیاده به سوی مکه رهسپار شدند.

۲- در عین حالی که عدۀ زیادی از مردم به خاطر شیوع بیماری آبله از شرکت در این سفر محروم بودند لکن تعداد شرکت کننده گان از ۱۱۴ تا ۱۲۴ هزار نفر گفته‌اند، و با تعدادی هم که با علی علیه السلام و ابوموسی اشعری از یمن آمدند و عده‌ای هم که در مکه بودند جمعیتی بیش از اینها را تشکیل داده بودند.

۳- به گفته احمدجنبل رهبر جنبلیها پیامبر صلی الله علیه و آله این جمله هرکس من مولای اویم از این پس علی علیه السلام مولای او است را چهار بار تکرار کرد! و ابن عباس گفت: بخدا قسم ولایت علی بر همه واجب شد.<sup>۱</sup>

#### ۴-راویان حدیث غدیر:

روایت کنندگان جریان غدیر از صحابه ۱۱۰ نفرند که البته اینان از مشاهیر صحابه‌اند و به یقین تعداد گویندگان غدیر بیش از اینها هستند و از تابعین یعنی کسانی که بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله و صحابه زندگی کرده‌اند تعداد هشتادوچهار نفرند.

روایت کنندگان غدیر در قرن پنجم بیست و چهار

<sup>۱</sup> (امام شناسی ص ۷۴)

نفرند.

روایت کنندگان غدیر در قرن ششم بیست نفرند.  
 روایت کنندگان غدیر در قرن هفتم بیست و یک نفرند.

روایت کنندگان غدیر در قرن هشتم هیجده نفرند.

روایت کنندگان غدیر در قرن نهم شانزده نفرند.

روایت کنندگان قرن دهم چهارده نفرند.

روایت کنندگان قرن یازدهم دوازده نفرند.

راویان قرن دوازدهم سیزده نفرند.

راویان قرن سیزدهم دوازده نفرند.

راویان قرن چهاردهم نوزده نفرند.

#### ۵- حدیث غدیر متواتر است:

هر قضیه بزرگی که رهبر قوم در آن دخیل بوده و در بین بسیاری از مردم اتفاق افتاده طبیعت چنین قضیه ای اقتضاء دارد که متواتر باشد یعنی قضیه ای در حد نقل یک نفر دو نفر نیست بلکه نقل همگانی است و عدّه زیادی از علماء و صاحب نظران معتقد به متواتر بودن حدیث غدیر هستند از جمله بسیاری از علماء بزرگ اهل سنت مانند سیوطی، ابن کثیر، علامه مناوی و امثال اینها.

#### ۶- تأیید صحت ماجرای غدیر :

علمائی از مفاخر اهل سنت ماجرای غدیر را تعریف و تأیید نموده اند از جمله:

حاکم نیشابوری - حَلَبی - ابن کثیر دمشقی - ترمذی و... که عدد آنها به ۲۵ نفر می رسد. و بیش از ۲۳ نفر از

علماء عامه حدیث تهنیت گوئی به علی (علیه السلام) را نقل کرده اند!

و عدّه زیادی از علماء مشهور اهل سنت کتاب های مستقلی در باب حدیث غدیر نوشته اند و عدّه زیادی از آنها در خصوص اینکه لغت مولی به معنای سرپرست و ولی می باشد نوشته اند.

### ۷- قرینه اول حدیث:

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در اول حدیث من کنت مولاه از باب مقدمه فرمود: اَلَسْتُ اُولٰٓئِی بَکُمْ مِّنْ اِنْفُسَکُمْ و همه اقرار کردند که آری چنین است سپس فرمود: همان مقامی که خدا به من داده و شما اقرار کردید به علی سپردم و به مصداق اختیاری که خدا به پیامبرش داده این اختیار را دارد که آن را به شایسته ترین فرد بدهد.

النَّبِیْ اُولٰٓئِی بِالْمُؤْمِنِیْنَ مِنْ اِنْفُسِهِمْ

پیامبر صاحب اختیار تر از مؤمنین به خود مؤمنین می باشد.

### ۸- کینه شتری!:

نعمان بن قهری بعد از انتشار غدیر آمد به پیامبر (صلی الله علیه و آله) گفت: بما گفتی خدا را قبول کنیم قبول کردیم گفتی پیامبری ات را قبول کردیم گفتی پنج وعده نماز بخوانیم خواندیم اما اینکه علی را بر ما مسلط کردی نمی پذیریم از پیامبر جدا شد و زمزمه می کرد که خدایا اگر این انتصاب حق است از آسمان سنگی بفرست تا مرا بکشد، هنوز به مرکبش نرسیده بود سنگی آمد از فرقیش رفت و از ماتحتش خارج و به درک واصل شد!!



### ۹- کتمان کنندگان غدیر:

عده ای دیده را نادیده انگاشتند و از ترس اینکه نکند لقمه ای از آنان کم شود حضورشان را در روز غدیر یا انکار کردند و یا حداقل از خود بروز ندادند.

امیرمؤمنان در برخی از اجتماعات شهود روز غدیر را دعوت به شهادت می کرد و آنان خیره و بی تفاوت به چهره حضرت نگاه می کردند و لام تا کام سخن نمی گفتند که حتی در یکی از همین مجامع حضرت از چند نفر از آنان نام برد که شما بودید و تبریک گفتید ولی!

از جمله آنان انس بن مالک که به جرم همین گناه کتمانش به مرض برص (پسی) مبتلا شد.<sup>۱</sup>

و نیز شخصی به نام براء بن عازب که به جهت کتمان ماجرای غدیر کور شد.

### ۱۰- احتجاج به حدیث غدیر:

علی (علیه السلام) این چهره مظلوم تاریخ در چند جا به حدیث غدیر احتجاج کرد و حقانیت خودش را گوشزد کرد اما گوشها آنقدر سنگین و کر شده بود و حب ریاست که انسانها را کر و کور می کند آنچنان به سراغشان رفته بود که مسخ شده و همه حقایق را نادیده می انگاشتند.

<sup>۱</sup> شرح ابن ابی الحدید صفحه ۳۶۲

### احتجاج در روز عاشورا:

خطیب خوارزمی حنفی با سند خود از ابی الطفیل  
عامر بن وائله نقل کرده اند که گفت:

من در روز عاشورا کنار درب اتاقی بودم که علی (علیه السلام)  
و پنج نفر دیگر در آن بودند شنیدم که حضرت به آنها  
می فرمود:

با شما به چیزی احتجاج خواهم کرد که عرب و عجم  
نمی تواند آن را تغییر دهد، آنگاه فرمود:

شما را به خدا سوگند ای جماعت! آیا در میان شما  
کسی هست که قبل از من خدا را به توحید بخواند؟

قالوا اللهم لا

همه گفتند خیر.

شما را به خدا سوگند می دهم آیا در میان شما کسی  
هست که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در حق او فرموده باشد

من کنت مولاه فعلی مولاه اللهم وال من والاه؟

قال اللهم لا گفتند بخدا قسم نه.

این احتجاج را دوازده نفر از بزرگان اهل سنت از قبیل  
سیوطی، شافعی، متقی هندی، گنجی شافعی نقل کرده  
اند.

### احتجاج در جمع کوفیان:

زمانی که شنید مردم او را در ادعای حقانیت خود بر  
خلافت متهم می سازند در منطقه رجبه کوفه جماعتی از  
مردم حاضر شده و به حدیث غدیر بر ضد کسانی که با او

به نزاع برخاسته بودند استشهد نمود این استدلال آن قدر  
علنی بود که بسیاری از علماء بزرگ آن را نقل کرده اند  
همچون اصبع بن نباته - زید بن ارقم - یعلی بن مُره اینها  
از یک طرف و بیست و پنج نفر از شاهدان عینی احتجاج  
منطقه رحبه که سی نفر از مشاهیرند از طرف دیگر حضور  
داشتند.<sup>۱</sup>

### احتجاج در جنگ جمل:

در این نبرد ظالمانه که از سوی سه نفر رقم خورد  
عایشه و طلحه و زبیر حضرت علی (علیه السلام) به طلحه فرمود:  
تو را به خدا سوگند می‌دهم آیا از رسول خدا (صلی الله علیه و آله)  
نشیدی که می‌فرمود: من کنت مولا ه فعلى مولا ه...

پس چرا با من جنگ می‌کنی؟

گفت: یادم نمی‌آید، این را گفت و رفت!<sup>۲</sup>

### احتجاج برای اهل صیفی:

امیرمؤمنان در آن روز منبری گذاشت و برای مردمی  
که از اطراف و نواحی آمده بودند سخنرانی کرد و فضائل  
خود را بیان نمود ضمناً به مسئله روز غدیر اشاره نمود.<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> مجمع الزوائد جلد ۹ صفحه ۱۰۴

<sup>۲</sup> مناقب خوارزمی صفحه ۱۸۲

<sup>۳</sup> کتاب سلیم بن جلد ۳ صفحه ۷۵۷

### احتجاج حضرت زهراء (علیها السلام):

حضرت زهرا (علیها السلام) فرمود:

انسیتم قول رسول الله یوم غدیر خم من کنت  
مولاه... آیا فراموش کردید سخن پیامبر در روز غدیر خم  
که فرمود: من کنت مولاه را؟!<sup>۱</sup>

### پاسخ بعضی شبهه ها

#### ۱- ابن تیمیّه می گوید:

مردم در صحت آن نزاع و اختلاف دارند که در کتب  
نیامده است که در جواب او باید گفت:

اولاً: ترمذی این حدیث را در صحیح خودش نقل  
کرده است و تصریح به صحت آن نموده است که شما به  
خوبی او را می شناسید و از تیره و تبار خود شماست.

ثانیاً: شنیده نشده است که کسی در سند و اصل این  
ماجرای متواتر نزاعی داشته باشد که اگر چنین کسی  
می بود خود ابن تیمیّه نامش را می برد و او را معرفی  
می کرد.

ثالثاً: ابن تیمیّه این کار را در ضدیت علی (علیه السلام) و  
شیعیان و اهل بیت گفته است که حتماً شاگردش او را

<sup>۱</sup> مناقب خوارزمی

برای این کارش تقبیح کرده است.<sup>۱</sup>

## ۲- گفته اند مولی به معنی اولویت نیست!

که در پاسخ باید بگوئیم:

اولاً فخر رازی در تفسیر هِیَ مَوْلَا کُرَ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ  
از جمعی از علماء تفسیر نقل می کند که معنای آن اولی  
بکم است.<sup>۲</sup>

ثانیاً: زمخشری که از علماء بزرگ اهل سنت است و  
جمعی دیگر از بزرگان تفسیری نظر فخر رازی را پذیرفته  
و قبول دارند.<sup>۳</sup>

ثالثاً: برخی از متکلمین و عده ای از لغویین مولا را به  
معنای ولایت دانسته اند.

رابعاً: در قرآن مولی به معنای اولی به کار رفته است  
در آنجا که می فرماید:

وَاعْتَصِمُوا بِاللَّهِ هُوَ مَوْلَاكُمْ.

به دامن خدا چنگ زنید که او مولای شماست.<sup>۴</sup>

<sup>۱</sup> سلسله الاحادیث الصحیحه حدیث ۱۷۵۰

<sup>۲</sup> سوره مبارکه حدید آیه ۱۵

<sup>۳</sup> تفسیر رازی جلد ۲۹ صفحه ۲۲۷

<sup>۴</sup> الکشاف صفحه ۴۵۶

<sup>۵</sup> سوره مبارکه حج آیه ۷۸

### ۳- گفته اند علی علیه السلام بعد از عثمان!

در سند حدیث غدیر و در اولی بودن و دلالت حدیث سخنی نداریم و خلافت حضرت علی علیه السلام را هم قبول داریم، ولی در این حدیث اشاره نشده است که علی علیه السلام بلافاصله پس از پیامبر خلیفه باشد پس او را خلیفه می دانیم اما خلیفه چهارم!!

در جواب می گوئیم:

اولاً: کدام دلیل بر خلافت خلفاء قبل از حضرت علی علیه السلام دارید تا بخواهید بین این دلیل ها جمع کنید و این قدر حاتم بخشی کرده کوتاه بیائید!

ثانیاً: از تمام قرائن حالیه و مقالیه بدست می آید که این خلافت بلافصل است، که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: و هو ولی کل مؤمن بعدی.<sup>۱</sup>

ثالثاً: از حدیث غدیر این چنین استفاده می شود که حضرت علی علیه السلام سرپرست همه مسلمین حتی این سه خلیفه است و این با خلافت بلافصل سازگار است.

رابعاً: خود عمر در روز غدیر به حضرت علی علیه السلام تبریک گفت و گفت: بر تو مبارک باد، مبارک باد در حالی که مولای من مولای هر مؤمنی شدی!<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> مسند احمد حنبل جلد ۴ صفحه ۴۳۸

<sup>۲</sup> مسند احمد حنبل جلد ۴ صفحه ۴۳۸

#### ۴- ولایت معنوی:

می گویند ولایت علی (علیه السلام) را قبول داریم ولی ولایت معنوی، یعنی سه نفر خلفای ما حکومت کنند ولی علی (علیه السلام) ولایت معنوی داشته باشد!!

در جواب می گوئیم:

اولاً: اگر بناست کلمات به این آسانی حمل برخلاف ظاهرش بشود پس درباره پیامبر و همه موارد می تواند جملات را حمل بر خلاف ظاهر کرد که اگر چنین شد به قول معروف سنگ روی سنگ بند نمی شود.

ثانیاً: خلافت این سه خلیفه کی و در کجا ثابت شد که شما ندای آشتی ملی سر می دهید.

ثالثاً: اعتقاد ما این است که ولایتی که از حدیث غدیر و غیر آن ثابت است همان ولایت کبرای الهی است که از خواص آن همانا حاکمیت سیاسی و مرجعیت دینی است.

#### ۵- می گویند منظور محبت است:

می گویند به دلیل آخر جمله پیامبر که فرمود اللهم وال من والاه... پس منظور حضرت این است که علی (علیه السلام) را دوست بدارید!

#### جواب این است که:

اولاً: در صدر حدیث من كنت مولاه که به معنای اولی الامر است .

ثانیاً: در صدر حدیث الست اولی بکم من انفسکم گفته و نتیجه اش چنین است که هر کس علی (علیه السلام) را

دوست داشت دوستش بدار و هر کس او را دشمن، دشمنش بدار.

ثالثاً: این معنا با کدام عقل سلیمی قابل باور است که پیامبر آن همه مردم خسته از سفر برگشته را در آن بیابان داغ سه روز نگهدارد برای تفهیم یک مطلب جزئی!

رابعاً: این نظر، نظری فاقد دلیل است زیرا هیچ لغوی ای مولا را چنین معنا نکرده است.

خامساً: این معنا با آنچه از ظاهر هر حدیث با قرینه هایش به ذهن می رسد سازگاری ندارد.

سادساً: اگر چنین بود پس چرا عایشه، معاویه، طلحه و زبیر و عمر و بن عاص و امثالهم با علی (علیه السلام) محبوب پیامبر به جنگ برخاستند و معاویه لعن به علی (علیه السلام) را در مأذنه مساجد وظیفه قرار داد!!

سابعاً: اگر چنین بود پس چرا شاعری معروف همچون حسان بن ثابت در محضر پیامبر در شعرش می گوید: ورضیت من بعدی اماماً و هادياً گفت و رسول خدا (صلی الله علیه و آله) او را از این کار منع نکرد؟!

می گویند: دو صاحب اختیار در یک زمان:

گفته اشکال کنندگان این است که هم پیامبر و هم علی (علیه السلام) هر دو در یک زمان صاحب اختیار بودن درست نیست!

جواب این است که:

اولاً: تصرفات حضرت علی (علیه السلام) در زمان پیامبر با اذن پیامبر است .

ثانیاً: محذور آنگاه است که تصرفات آنها با هم



مخالفت داشته باشد در حالی که تا آن روز و هیچگاه تصور اختلاف بین این دو نبوده است.

ثالثاً: تمام ولایت حضرت علی (علیه السلام) برای بعد از وفات رسول الله (صلی الله علیه و آله) است.

این بود نمی از یم غمهای علی (علیه السلام) که در این خطبه غدیر آمده بود، امید است روزی برسد که حق به صاحبش برگردد و دولت واقعی علوی دنیا را اداره کند که مردم آن مدینه فاضله موعود را درک کرده و در سایه دولت حق به حق خود برسند. إن شاء الله

### اعتقاداتی در خطبه غدیر:

در این خطبه حساس به مسائل مهمی اشاره رفته است که از آن جمله اند مسائل اعتقادی که در این مختصر به برخی از آن مسائل اشاره می کنیم:

۱- همه چیز به پیامبر (صلی الله علیه و آله) ختم می شود :

أَخَاتِرُ لِمَا سَبَقَ يَعْنِي پايان بخش تعالیم گذشته و آنچه بر زبان پیامبران بزرگ تاریخ آمده است را پیامبر خاتم (صلی الله علیه و آله) فرموده و مهر تأیید بر آنها نیز زده است.

۲- علی (علیه السلام) طراط مستقیم است :

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود:

أَشْهَدُ أَنَّكَ الْمَعْنَى بِقَوْلِ الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ وَأَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا

شهادت می دهم به اینکه تو معنی قول خدای عزیز و

رحیم هستی که فرمود: این صراط مستقیم است.<sup>۱</sup>

۳- علی (علیه السلام) اولین مؤمن است :

انت اول من آمن بالله و صلی له

تو اولین کسی هستی که بخدا ایمان آوردی و نماز خواندی

۴- علی (علیه السلام) نورش خاموش نمی شود :

قال رسول الله ﷺ نورک لا یطفأ

نور تو ای علی (علیه السلام) خاموش شدنی نیست

۵- علی (علیه السلام) آگاه به تفسیر و تنزیل قرآن است :

انت المخصوص بعلم التنزیل و حکم التأویل

تو اختصاص به علم نزول قرآن و حکیم تأویل آیات الهی داری

۶- دشمن علی (علیه السلام) دشمن خداست :

.... و عدوک عدو الله و جاحد لرسول الله

دشمن تو دشمن خدا می باشد و منکر رسول خدا محسوب می شود

۷- علی (علیه السلام) سفیر خدا در میان مخلوقات است :

و سفیر فی خلقه، سفیر و نماینده خدا در بین خلق هستی

<sup>۱</sup> انعام ۱۵۳

### اهمیت آیه روز غدیر

این آیه به آیه تبلیغ معروف است که با این جمله آغاز می‌شود یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک من ربک....

ای رسول ابلاغ نما آنچه بر تو نازل شد از سوی خدایت ...

دلایل اهمیت این دستوری که در میان صحرای صحرای غدیر خم نازل شد از این قرار است :

۱- از سوی خداست : انزل الیک من ربک

۲- در سه مرحله نازل شد: در روز شانزدهم یک قسمت از آیه و در روز هفدهم قسمت دوم و در روز موعود یعنی روز غدیر فراز سوم آیه نازل گردید.

۳- شنوندگان فراوان بودند: ده ها هزار نفر در مراسم حج به رهبری پیامبر همراه حضرت بودند که پیامبر مسئله مطرح فرمودند<sup>۱</sup>

۴- تأکید خدا بر معرفی علی (علیه السلام)

وان لم تفعل فما بلغت رسالته

اگر این امر مهم را انجام ندهی رسالتت را بدرستی ابلاغ نکردی !

۵- امامت همسنگ رسالت است:

<sup>۱</sup> بحار الانوار جلد ۳۷ صفحه ۱۶۵

وان تفعل فما بلغت رسالته

۶- دشمنانی دشمنانی مهم در کمین بودند:

والله يعصمك من الناس

خدا تو را از شر آنان حفظ می کند

۷- ماجرا را بزرگان نقل کرده اند

علامه امینی می فرماید: نزول آیه تبلیغ و خطابه رسول خدا در روز غدیر را از ۱۱۰ نفر از صحابه ۸۴ نفر از تابعین و ۲۵۶ نفر از راویان اهل سنت در طول ۱۴ قرن به دست ما رسیده است که جای هیچگونه شک و تردیدی در شأن نزول آیه تبلیغ که همان جانشینی امیر مؤمنان برای رسول خدا ﷺ است باقی نمی گذارد.

۸- این ابلاغ مخصوص امامت است:

اولاً تمام دستورات اسلام قبلاً از سوی خدا توسط پیامبر نازل و به مردم ابلاغ شده است و ثانیاً بیان احکام دیگر ترسی ندارد که خداوند بفرماید خدا تو را از شر دشمنان حفظ می کند والله يعصمك من الناس

۱- این جریان جریان تکمیل دین است:

ورضيت لکم الاسلام دینا

۲- هرکس این حکم را نپذیرد پیامبر را نپذیرفته است:

وان لم تفعل فما بلغت رسالته

۳- این ماجرا مایه یأس کفار شد:

اليوم يئس الذين كفروا

- ۴- با این جریان ترس ها ریخته شد:  
فلا تخشوهم واخشون از آنها نترس و توجه  
خوف و خشیت خود را به سوی من سوق بده
- ۵- با این جریان نعمت تمام و کامل شد:  
واتممت علیکم نعمتی و روز قیامت از  
مهمترین مواردی که سؤال می شود از نعمت  
ولایت است لئسئلن یومئذ عن النعیم حتماً از  
نعیم یعنی ولایت می پرسند
- ۶- پذیرش ولایت امام علی (علیه السلام) پذیرش ولایت  
خداست  
من والا کم فقدوال الله<sup>۱</sup>
- ۷- جمله من کنت مولاه فهذا علی مولاه دلیل  
عصمت امیر مؤمنان است زیرا پیامبر مولای  
فرشتگان هم هست و فرشتگان معصومند  
لا یعصون الله پس علی (علیه السلام) بعد از پیامبر  
مولای انسان ها و ملائکه و معصوم است.

<sup>۱</sup> (بحار الانوار جلد ۹۹ صفحه ۱۲۹)

### آیا می دانید در این حدیث :

- ۱ - پیامبر ﷺ از مردم اقرار نبوت خود و خدمات دوران پیامبری اش را گرفت .
- ۲ - بر ولایت دوازده امام تأکید فرمود.
- ۳ - بر عدم تغییر حلال و حرام و اینکه پس از من بیان حلال و حرام دینی توسط دوازده امام خواهد بود.
- ۴ - در این خطبه نام علی علیه السلام ۴۰ بار گفته شد.
- ۵ - نام ائمه ۱۰ مرتبه بیان شد.
- ۶ - نام امام زمان عجل الله تعالی فرجه ۴ بار بر زبان مبارک پیامبر ﷺ آمد.
- ۷ - بیعت با ائمه ۱۰ مورد سفارش شد.
- ۸ - بیان فضائل حضرت علی علیه السلام ۲۰ مورد.
- ۹ - بیان ولایت حضرت علی علیه السلام ۵۰ مورد.
- ۱۰ - مقام پیامبر ﷺ ۱۰ مورد.
- ۱۱ - صفات خدا ۱۱۰ مورد بیان گردیده است.

## ترجمه خطبه غدیر

## بخش اول: حمد و ثنای الهی

ستایش خدای را سزااست که در یگانگی اش بلند مرتبه و در تنهایی اش به آفریدگان نزدیک است؛ سلطنتش پر جلال و در ارکان آفرینش اش بزرگ است. بی آنکه مکان گیرد و جابه جا شود، بر همه چیز احاطه دارد و بر تمامی آفریدگان به قدرت و برهان خود چیره است.

همواره ستوده بوده و خواهد بود و مجد و بزرگی او را پایانی نیست. آغاز و انجام از او و برگشت تمامی امور به سوی اوست.

اوست آفریننده آسمان ها و گستراننده زمین ها و حکمران آن ها. دور و منزله از خصایص آفریده هاست و در منزله بودن خود نیز از تقدیس همگان برتر است. هموست پروردگار فرشتگان و روح؛ افزونی بخش آفریده ها و نعمت ده ایجاد شده هاست. به نگاهی دیده ها را ببیند و دیده ها هرگز او را نبینند.

کریم و بردبار و شکیباست. رحمت اش جهان شمول و عطایش منت گذار. در انتقام بی شتاب و در کیفر سزاواران عذاب، صبور و شکیباست. بر نهان ها آگاه و بر درون ها دانا. پوشیده ها بر او آشکار و پنهان ها بر او روشن است. او راست فراگیری و چیرگی بر هر هستی. نیروی آفریدگان از او و توانایی بر هر پدیده ویژه اوست. او را همانندی نیست و هموست ایجادگر هر موجود در تاریکستان لاشیء. جاودانه و زنده و عدل گستر. جز او خداوندی نباشد و اوست ارجمند و حکیم.

دیده ها را بر او راهی نیست و اوست دریابنده دیده ها. بر پنهانی ها آگاه و بر کارها داناست. کسی از دیدن به وصف او نرسد و بر چگونگی او از نهان و آشکار دست نیابد مگر، او - عزوجل - خود، راه نماید و بشناساند.

و گواهی می دهم که او «الله» است. همو که تنزهش سراسر روزگاران را فراگیر و نورش



ابدیت را شامل است. بی مشاور، فرمانش را اجرا، بی شریک تقدیرش را امضا و بی یاور سامان دهی فرماید. صورت آفرینش او را الگویی نبوده و آفریدگان را بدون یاور و رنج و چاره جویی، هستی بخشیده است. جهان با ایجاد او موجود و با آفرینش او پدیدار شده است.

پس اوست «الله» که معبودی به جز او نیست. همو که صنُعش استوار است و ساختمان آفرینشش زیبا. دادگری است که ستم روا نمی دارد و کریمی که کارها به او بازمی گردد.

و گواهی می دهم که او «الله» است که آفریدگان در برابر بزرگی اش فروتن و در مقابل عزتتش رام و به توانایی اش تسلیم و به هیبت و بزرگی اش فروتن اند. پادشاه هستی ها و چرخاننده سپهرها و رام کننده آفتاب و ماه که هر یک تا اجل معین جریان یابند. او پرده‌ی شب را به روز و پرده‌ی روز را - که شتابان در پی شب است - به شب پیچد.

اوست شکنندی هر ستمگر سرکش و نابودکنندی هر شیطان رانده شده.

نه او را ناسازی باشد و نه برایش انباز و ماندی. یکتا و بی نیاز، نه زاده و نه زاییده شده، او را همتایی نبوده، خداوند یگانه و پروردگار بزرگوار است. بخواهد و به انجام رساند. اراده کند و حکم نماید. بداند و بشمارد. بمیراند و زنده کند. نیازمند و بی نیاز گرداند. بخنداند و بگریاند. نزدیک آورد و دور برد. بازدارد و عطا کند. او راست پادشاهی و ستایش. به دست توانی اوست تمام نیکی. و هموست بر هر چیز توانا.

شب را در روز و روز را در شب فرو برد. معبودی جز او نیست؛ گران مایه و آمرزنده؛ اجابت کنندی دعا و افزایش عطا، بر شمارندی نفس ها؛ پروردگار پری و انسان. چیزی بر او مشکل ننماید، فریاد فریادکنندگان او را آزرده نکند و اصرار اصرارکنندگان او را به ستوه نیاورد.

نیکوکاران را نگاهدار، رستگاران را یار،  
مؤمنان را صاحب اختیار و جهانیان را  
پروردگار است؛ آن که در همه احوال سزاوار  
سپاس و ستایش آفریدگان است.

او را ستایش فراوان و سپاس جاودانه می  
گویم بر شادی و رنج و بر آسایش و سختی  
و به او و فرشتگان و نبشته ها و فرستاده  
هایش ایمان داشته، فرمان او را گردن می  
گذارم و اطاعت می کنم؛ و به سوی خشنودی  
او می شتابم و به حکم او تسلیمم؛ چرا که به  
فرمانبری او شائق و از کیفر او ترسانم. زیرا  
او خدایی است که کسی از مکرش در امان  
نبوده و از بی عدالتیش ترسان نباشد (زیرا او  
را ستمی نیست).

### بخش دوم: فرمان الهی برای مطلبی مهم

و اکنون به عبودیت خویش و پروردگاری او  
گواهی می دهم. و وظیفه خود را در آن چه  
وحی شده انجام می دهم مباد که از سوی او

عذابی فرود آید که کسی یاری دورساختن آن از من نباشد. هر چند توانش بسیار و دوستی اش (با من) خالص باشد

معبودی جز او نیست چرا که اعلام فرموده که اگر آن چه (درباره ی علی) نازل کرده به مردم نرسانم، وظیفه رسالتش را انجام نداده ام؛ و خداوند تبارک و تعالی امنیت از [آزار] مردم را برایم تضمین کرده و البته که او بسنده و بخشنده است.

آنگاه خداوند چنین وحی ام فرستاد: «به نام خداوند همه مهرِ مهرورز. ای فرستادی ما! آن چه از سوی پروردگارت درباری علی و خلافت او بر تو فرود آمده بر مردم ابلاغ کن، وگرنه رسالت خداوندی را به انجام نرسانده ای؛ و او تو را از آسیب مردمان نگاه می دارد.

هان مردمان! آنچه بر من فرود آمده، در تبلیغ آن کوتاهی نکرده ام و حال برایتان سبب نزول آیه را بیان می کنم: همانا جبرئیل سه

مرتبه بر من فرود آمد از سوی سلام، پروردگارم - که تنها او سلام است - فرمانی آورد که در این مکان به پا خیزم و به هر سفید و سیاهی اعلام کنم که علی بن ابی طالب برادر، وصی و جانشین من در میان امت و امام پس از من بوده. جایگاه او نسبت به من به سان هارون نسبت به موسی است، لیکن پیامبری پس از من نخواهد بود او (علی)، صاحب اختیارتان پس از خدا و رسول است؛ و پروردگارم آیه ای بر من نازل فرموده که: «همانا ولی، صاحب اختیار و سرپرست شما، خدا و پیامبر او و ایمانیانی هستند که نماز به پا می دارند و در حال رکوع زکات می پردازند.» و هر آینه علی بن ابی طالب نماز به پا داشته و در رکوع زکات پرداخته و پیوسته خداخواه است.

و من از جبرئیل درخواستم که از خداوند سلام اجازه کند و مرا از این مأموریت معاف فرماید. زیرا کمی پرهیزگاران و فزونی منافقان و دسیسی ملامت گران و مکر

مسخره کنندگان اسلام را می دانم؛ همانان که خداوند در کتاب خود در وصفشان فرموده: «به زبان آن را می گویند که در دل هایشان نیست و آن را اندک و آسان می شمارند حال آن که نزد خداوند بس بزرگ است».

و نیز از آن روی که منافقان بارها مرا آزار رسانیده تا بدانجا که مرا اُذُن [سخن شنو و زودباور] نامیده اند، به خاطر همراهی افزون علی با من و رویکرد من به او و تمایل و پذیرش او از من، تا بدانجا که خداوند در این موضوع آیه ای فرو فرستاده: « و از آنانند کسانی که پیامبر خدا را می آزارند و می گویند: او سخن شنو و زودباور است. بگو: آری سخن شنو است. - بر علیه آنان که گمان می کنند او تنها سخن می شنود - لیکن به خیر شماسست، او (پیامبر صلی الله علیه و آله) به خدا ایمان دارد و مؤمنان را تصدیق می کند و راستگو می انگارد.

و اگر می خواستم نام گویندگان چنین سخنی را بر زبان آورم و یا به آنان اشارت کنم و یا

مردمان را به سویشان هدایت کنم [که آنان را شناسایی کنند] می توانستم. لیکن سوگند به خدا در کارشان کرامت نموده لب فروبستم. با این حال خداوند از من خشنود نخواهد گشت مگر این که آن چه در حق علی عیه السلام فرو فرستاده به گوش شما برسانم. سپس پیامبر صلی الله علیه و آله چنین خواند: «ی پیامبر ما! آن چه از سوی پروردگارت بر تو نازل شده - در حق علی - ابلاغ کن؛ وگرنه کار رسالتش را انجام نداده ای. و البته خداوند تو را از آسیب مردمان نگاه می دارد».

بخش سوم: اعلان رسمی ولایت و امامت

دوازده امام علیهم السلام

هان مردمان! بدانید این آیه درباری اوست. ژرفی آن را فهم کنید و بدانید که خداوند او را برایتان صاحب اختیار و امام قرار داده، پیروی او را بر مهاجران و انصار و آنان که به نیکی از ایشان پیروی می کنند و بر

صحرائشینان و شهروندان و بر عجم و عرب  
 و آزاد و برده و بر کوچک و بزرگ و سفید و  
 سیاه و بر هر یکتاپرست لازم شمرده است.  
 (هشدار که) اجرای فرمان و گفتار او لازم و  
 امرش نافذ است. ناسازگارش رانده، پیرو و  
 باورکننده اش در مهر و شفقت است. هر آینه  
 خداوند، او و شنوایان سخن او و پیروان  
 راهش را آمرزیده است.

هان مردمان! آخرین بار است که در این  
 اجتماع به پا ایستاده ام. پس بشنوید و فرمان  
 حق را گردن گذارید؛ چرا که خداوند عزوجل  
 صاحب اختیار و ولی و معبود شماست؛ و  
 پس از خداوند ولی شما، فرستاده و پیامبر  
 اوست که اکنون در برابر شماست و با شما  
 سخن می گوید. و پس از من به فرمان  
 پروردگار، علی ولی و صاحب اختیار و امام  
 شماست. آن گاه امامت در فرزندان من از  
 نسل علی خواهد بود. این قانون تا برپایی



رستاخیز که خدا و رسول او را دیدار کنید  
دوام دارد.

روا نیست، مگر آن چه خدا و رسول او و  
امامان روا دانند؛ و ناروا نیست مگر آن چه  
آنان ناروا دانند. خداوند عزوجل، هم روا و هم  
ناروا را برای من بیان فرموده و آن چه  
پروردگارم از کتاب خویش و حلال و حرامش  
به من آموخته در اختیار علی نهاده ام.

هان مردمان! او را برتر بدانید. چرا که هیچ  
دانشی نیست مگر اینکه خداوند آن را در جان  
من نبشته و من نیز آن را در جان پیشوای  
پرهیزکاران، علی، ضبط کرده ام. او (علی)  
پیشوای روشنگر است که خداوند او را در  
سوری یاسین یاد کرده که: «و دانش هر چیز  
را در امام روشنگر برشمرده ایم»...

هان مردمان! از علی رو برنتابید. و از امامتش  
نگریزید. و از سرپرستی اش رو برنگردانید.  
او [شما را] به درستی و راستی خوانده و  
[خود نیز] بدان عمل نماید. او نادرستی را

نابود کند و از آن بازدارد. در راه خدا نکوهش نکوهش گران او را از کار باز ندارد. او نخستین مؤمن به خدا و رسول اوست و کسی در ایمان، به او سبقت نجسته. و همو جان خود را فدای رسول الله نموده و با او همراه بوده است تنها اوست که همراه رسول خدا عبادت خداوند می کرد و جز او کسی چنین نبود.

اولین نمازگزار و پرستشگر خدا به همراه من است. از سوی خداوند به او فرمان دادم تا [در شب هجرت] در بستر من بیارامد و او نیز فرمان برده، پذیرفت که جان خود را فدای من کند.

هان مردمان! او را برتر دانید، که خداوند او را برگزیده؛ و پیشوایی او را بپذیرید، که خداوند او را برپا کرده است.

هان مردمان! او از سوی خدا امام است و هرگز خداوند توبه منکر او را نپذیرد و او را نیامرزد. این است روش قطعی خداوند درباره

ناسازگار علی و هرآینه او را به عذاب دردناک پایدار کیفر کند. از مخالفت او بهراسید و گرنه در آتشی درخواهید شد که آتش گیری آن مردمانند؛ و سنگ، که برای حق ستیزان آماده شده است.

هان مردمان! به خدا سوگند که پیامبران پیشین به ظهورم مژده داده اند و اکنون من فرجام پیامبران و برهان بر آفریدگان آسمانیان و زمینیانم. آن کس که راستی و درستی مرا باور نکند به کفر جاهلی درآمده و تردید در سخنان امروزم همسنگ تردید در تمامی محتوای رسالت من است، و شک و ناباوری در امامت یکی از امامان، به سان شک و ناباوری در تمامی آنان است. و هرآینه جایگاه ناباوران ما آتش دوزخ خواهد بود.

هان مردمان! خداوند عزوجلّ از روی منتّ و احسان خویش این برتری را به من پیشکش کرد و البته که خدایی جز او نیست. آگاه

باشید: تمامی ستایش ها در همه روزگاران و در هر حال و مقام ویژه اوست.

هان مردمان! عل را برتر دانید؛ که او برترین مردمان از مرد و زن پس از من است؛ تا آن هنگام که آفریدگان پایدارند و روزی شان فرود آید.

دور دورباد از درگاه مهر خداوند و خشم خشم باد بر آن که این گفته را نپذیرد و با من سازگار نباشد!

هان! بدانید جبرئیل از سوی خداوند خبرم داد: «هر آن که با علی بستیزد و بر ولایت او گردن نگذارد، نفرین و خشم من بر او باد!» البته بایست که هر کس بنگرد که برای فردای رستاخیز خود چه پیش فرستاده. [هان!] تقوا پیشه کنید و از ناسازگاری با علی بپرهیزید. مباد که گام هایتان پس از استواری درلغزد. که خداوند بر کردارتان آگاه است.

هان مردمان! همانا او هم جوار و همسایه خداوند است که در نبشته ی عزیز خود او را

یاد کرده و درباری ستیزندگان با او فرموده:  
 «تا آنکه مبادا کسی در روز رستخیز بگوید:  
 افسوس که درباره همجوار و همسایه ی خدا  
 کوتاهی کردم»...

هان مردمان! در قرآن اندیشه کنید و ژرفی  
 آیات آن را دریابید و بر محکמתش نظر کنید  
 و از متشابهاتش پیروی ننمایید. پس به خدا  
 سوگند که باطن ها و تفسیر آن را آشکار نمی  
 کند مگر همین که دست و بازوی او را گرفته  
 و بالا آورده ام و اعلام می دارم که: هر آن که  
 من سرپرست اویم، این علی سرپرست اوست.  
 و او علی بن ابی طالب است؛ برادر و وصی  
 من که سرپرستی و ولایت او حکمی است از  
 سوی خدا که بر من فرستاده شده است.

هان مردمان! همانا علی و پاکان از فرزندانم از  
 نسل او، یادگار گران سنگ کوچک ترند و  
 قرآن یادگار گران سنگ بزرگ تر. هر یک از  
 این دو از دیگر همراه خود خبر می دهد و با  
 آن سازگار است. آن دو هرگز از هم جدا

نخواهند شد تا در حوض کوثر بر من وارد شوند.

هان! بدانید که آنان امانتداران خداوند در میان آفریدگان و حاکمان او در زمین اویند.

هشدار که من وظیفه ی خود را ادا کردم. هشدار که من آن چه بر عهده ام بود ابلاغ کردم و به گوشتان رساندم و روشن نمودم. بدانید که این سخن خدا بود و من از سوی او سخن گفتم. هشدار که هرگز به جز این برادرم کسی نباید امیرالمؤمنین خوانده شود. هشدار که پس از من امارت مؤمنان بری کسی جز او روا نباشد.

سپس فرمود: مردمان! کیست سزاوارتر از شما به شما؟ گفتند خداوند و پیامبر او! سپس فرمود آگاه باشید! آن که من سرپرست اویم، پس این علی سرپرست اوست! خداوندا دوست بدار آن را که سرپرستی او را بپذیرد و دشمن بدار هر آن که او را دشمن دارد و

یاری کن یار او را؛ و تنها گذار آن را که او را تنها بگذارد.

بخش چهارم: بلند کردن امیرالمومنین علیه السلام بدست رسول خدا صلی الله علیه و آله  
هان مردمان! این علی است برادر و وصی و نگاهبان دانش من. و هموست جانشین من در میان امت و بر گروندگان به من و بر تفسیر کتاب خدا که مردمان را به سوی او بخواند و به آن چه موجب خشنودی اوست عمل کند و با دشمنانش ستیز نماید. او پشتیبان فرمانبرداری خداوند و بازدارنده از نافرمانی او باشد. همانا اوست جانشین رسول الله و فرمانروای ایمانیان و پیشوای هدایتگر از سوی خدا و کسی که به فرمان خدا با پیمان شکنان، رویگردانان از راستی و درستی و به فراریان از دین پیکار کند. خداوند فرماید:  
فرمان من دگرگون نخواهد شد.

پروردگارا! اکنون به فرمان تو چنین می گویم:  
 خداوندا! دوستداران او را دوست دار. و  
 دشمنان او را دشمن دار. پشتیبانان او را  
 پشتیبانی کن. یارانش را یاری نما. خودداری  
 کنندگان از یاری اش را به خود رها کن.  
 ناباورانش را از مهرت بران و بر آنان خشم  
 خود را فرود آور.

معبودا! تو خود در هنگام برپاداشتن او و بیان  
 ولایتش نازل فرمودی که: «امروز آیین شما را  
 به کمال، و نعمت خود را بر شما به اتمام  
 رساندم، و اسلام را به عنوان دین شما  
 پسندیدم.» «و آن که به جز اسلام دینی را  
 بجوید، از او پذیرفته نبوده، در جهان دیگر در  
 شمار زیانکاران خواهد بود.» خداوندا، تو را  
 گواه می گیرم که پیام تو را به مردمان  
 رساندم.

بخش پنجم: تاکید بر توجه امت به مسئله

امامت



هان مردمان! خداوند عزوجلّ دین را با امامت علی تکمیل فرمود. اینک آنان که از او و جانشینانش از فرزندان من و از نسل او - تا برپایی رستاخیز و عرضه ی بر خدا - پیروی نکنند، در دو جهان کرده هایشان بیهوده بوده در آتش دوزخ ابدی خواهند بود، به گونه ی که نه از عذابشان کاسته و نه برایشان فرصتی خواهد بود.

هان مردمان! این علی یاورترین، سزاوارترین و نزدیک ترین و عزیزترین شما نسبت به من است. خداوند عزوجلّ و من از او خشنودیم. آیه رضایتی در قرآن نیست مگر این که درباره ی اوست. و خدا هرگاه ایمان آوردگان را خطابی نموده به او آغاز کرده [و او اولین شخص مورد نظر خدای متعال بوده است] . و آیه ی ستایشی نازل نگشته مگر درباره ی او. و خداوند در سوره ی «هل أتى علی الإنسان» گواهی بر بهشت [رفتن] نداده مگر بری او، و آن را در حق غیر او نازل نکرده و به آن جز او را نستوده است.

هان مردمان! او یاور دین خدا و دفاع کننده ی از رسول اوست. او پرهیزکار پاکیزه و راهنمای ارشاد شده [به دست خود خدا] است. پیامبرتان برترین پیامبر، وصی او برترین وصی و فرزندان او برترین اوصیایند. هان مردمان! فرزندان هرپیامبر از نسل اویند و فرزندان من از صلب و نسل امیرالمؤمنین علی است.

هان مردمان! به راستی که شیطانِ اغواگر، آدم را با رشک از بهشت رانده مبادا شما به علی رشک ورزید که کرده هایتان نابود و گام هایتان لغزان خواهدشد. آدم به خاطر یک اشتباه به زمین هبوط کرد و حال آن که برگزیده ی خدی عزوجلّ بود. پس چگونه خواهید بود شما و حال آن که شما شمايید و دشمنان خدا نیز از میان شمايید.

آگاه باشید! که با علی نمی ستیزد مگر بدبخت. و سرپرستی او را نمی پذیرد مگر رستگار

پرهیزگار. و به او نمی‌گروید مگر مؤمن بی  
آلایش..

و سوگند به خدا که سوره ی والعصر درباره-  
ی اوست: «به نام خداوند همه مهر مهر و رز.  
قسم به زمان که انسان در زیان است.» مگر  
علی که ایمان آورده و به درستی و شکیبایی  
آراسته است.

هان مردمان! خدا را گواه گرفتم و پیام او را  
به شما رسانیدم. و بر فرستاده و وظیفه ی جز  
بیان و ابلاغ روشن نباشد!

هان مردمان! تقوا پیشه کنید همان گونه که  
بایسته است. و نمیرید جز با شرفِ اسلام.

بخش ششم: اشاره به کارشکنی های

### منافقین

هان مردمان! «به خدا و رسول و نور  
همراهش ایمان آورید پیش از آن که چهره ها  
را تباه و بازگونه کنیم یا چونان اصحاب روز  
شنبه [یهودیانی که بر خدا نیرنگ آوردند]

رانده شوید.» به خدا سوگند که مقصود خداوند از این آیه گروهی از صحابه اند که آنان را با نام و نَسَب می شناسم لیکن به پرده پوشی کارشان مأمورم. آنک هر کس پایه کار خویش را مهر و یا خشم علی در دل قرار دهد [و بداند که ارزش عمل او وابسته به آن است.

مردمان! نور از سوی خداوند عزوجل در جان من، سپس در جان علی بن ابی طالب، آن گاه در نسل او تا قائم مهدی - که حق خدا و ما را می ستاند - جای گرفته. چرا که خداوند عزوجل ما را بر کوتاهی کنندگان، ستیزه گران، ناسازگاران، خائنان و گنهکاران و ستمکاران و غاصبان از تمامی جهانیان دلیل و راهنما و حجت آورده است.

هان مردمان! هشدارتان می دهم: همانا من رسول خدایم. پیش از من نیز رسولانی آمده و سپری گشته اند. آیا اگر من بمیرم یا کشته شوم، به جاهلیت عقب گرد می کنید؟ آن که به قهقرا برگردد، هرگز خدا را زیانی نخواهد

رسانید و خداوند سپاسگزاران شکیبافر را پاداش خواهد داد. بدانید که علی و پس از او فرزندان من از نسل او، داری کمال شکیبایی و سپاسگزاری اند.

هان مردمان! اسلامتان را بر من منت نگذارید؛ که اعمال شما را بیهوده و تباه خواهد کرد و خداوند بر شما خشم خواهد گرفت و سپس شما را به شعله‌ی از آتش و مس گداخته گرفتار خواهد نمود. همانا پروردگار شما در کمین گاه است.

مردمان! به زودی پس از من پیشوایانی خواهند بود که شما را به سوی آتش می خوانند و در روز رستاخیز تنها وبدون یاور خواهند ماند.

هان مردمان! خداوند و من از آنان بیزاریم. هان مردمان! آنان و یاران و پیروانشان در بدترین جای جهنم، جایگاه متکبران خواهند

بود. بدانید آنان اصحاب صحیفه اند. اکنون هر کس در صحیفه ی خود نظر کند.

هان مردمان! اینک جانشینی خود را به عنوان امامت و وراثت به امانت به جای می گذارم در نسل خود تا برپایی روز رستاخیز. و حال، مأموریت تبلیغی خود را انجام می دهم تا برهان بر هر شاهد و غایب و بر آنان که زاده شده یا نشده اند و بر تمامی مردمان باشد. پس بایسته است این سخن را حاضران به غایبان و پدران به فرزندان تا برپایی رستاخیز برسانند.

آگاه باشید! به زودی پس از من امامت را با پادشاهی جابه جا نموده. آن را غصب کرده و به تصرف خویش درآورند.

هان! نفرین و خشم خدا بر غاصبان و چپاول گران! و البته در آن هنگام خداوند آتش عذاب - شعله های آتش و مس گداخته - بر سر شما جن و انس خواهد ریخت. آن جاست که دیگر یاری نخواهید شد.

هان مردمان! هر آینه خداوند عزوجل شما را به حالتان رها نخواهد کرد تا ناپاک را از پاک جدا کند. و خداوند نمی خواهد شما را بر غیب آگاه گرداند. (اشاره به آیه ی ۱۷۹ / آل عمران است)

هان مردمان! هیچ سرزمینی نیست مگر این که خداوند به خاطر تکذیب اهل آن [حق را]، آنان را پیش از روز رستاخیز نابود خواهد فرمود و به امام مهدی خواهد سپرد. و هر آینه خداوند وعده ی خود را انجام خواهد داد.

هان مردمان! پیش از شما، شمار فزونی از گذشتگان گمراه شدند و خداوند آنان را نابود کرد. و همو نابودکننده ی آیندگان است.

او خود در کتابش آورده: «آیا پیشینیان را تباه نکردیم و به دنبال آنان آیندگان را گرفتار نساختیم؟ با مجرمان این چنین کنیم. وای بر ناباوران!

هان مردمان! همانا خداوند امر و نهی خود را به من فرموده و من نیز به دستور او دانش

آن را نزد علی نهادم. پس فرمان او را بشنوید و گردن نهید و پیرویش نمایید و از آنچه بازتان دارد خودداری کنید تا راه یابید. به سوی هدف او حرکت کنید. راه های گوناگون شما را از راه او باز ندارد!

## بخش هفتم: پیروان اهل بیت علیهم السلام و دشمنان ایشان

هان مردمان! صراط مستقیم خداوند منم که شما را به پیروی آن امر فرموده. و پس از من علی است و آن گاه فرزندانم از نسل او، پیشوایان راه راستند که به درستی و راستی راهنمایند و به آن حکم و دعوت کنند.

هان! به خدا سوگند این سوره درباره ی من نازل شده و شامل امامان می باشد و به آنان اختصاص دارد. آنان اولیای خدایند که ترس و اندوهی برایشان نیست، آگاه باشید: البته حزب خدا چیره و غالب خواهد بود. هشدار که: ستیزندگان با امامان، گمراه و همکاران شیاطین اند. برای گمراهی مردمان، سخنان



بیهوده و پوچ را به یکدیگر می‌رسانند. بدانید که خداوند از دوستان امامان در کتاب خود چنین یاد کرده: «ای پیامبر ما! نمی‌یابی مؤمنان به خدا و روز بازپسین را، که ستیزه‌گران خدا و رسول را دوست بدارند، گرچه آنان پدران، برادران و خویشان‌شان باشند. آنان [که چنین اند] خداوند ایمان را در دل هایشان نبشته است.» - تا آخر آیه.

هان! دوستداران امامان ایمانیان اند که قرآن چنان توصیف فرموده: «آنان که ایمان آورده و باور خود را به شرک نیالوده اند، در امان و در راه راست هستند.»

هشدار! یاران پیشوایان کسانی هستند که به باور رسیده و از تردید و انکار دور خواهند بود.

هشدار! اولیای امامان آنانند که با آرامش و سلام به بهشت درخواهند شد و فرشتگان با سلام آنان را پذیرفته، خواهند گفت: «درود بر

شما که پاک شده اید. اینک داخل شوید که در بهشت، جاودانه خواهید بود».

هان! بهشت پاداش اولیای آنان است و در آن بی حساب روزی داده خواهند شد.

هان! دشمنان آنان آن کسانی اند که در آتش درآیند. و همانا ناله ی افروزش جهنم را می شنوند در حالی که شعله هی آتش زبانه می کشد و زفیر (صدی بازدم) جهنم را نیز درمی یابند.

هان! خداوند درباره ی ستیزگران با آنان فرموده: «هرگاه امتی داخل جهنم شود همتی خود را نفرین کند».

هشدار! که دشمنان امامان همانانند که خداوند درباره ی آنان فرموده: «هر گروهی از آنان داخل جهنم شود نگاهبانان می پرسند: مگر برایتان ترساننده ی نیامد؟! می گویند: چرا ترساننده آمد لیکن تکذیب کردیم و گفتیم: خداوند وحی نفرستاده و شما نیستید مگر در

گمراهی بزرگ!» تا آن جا که فرماید: «هان!

نابود باد دوزخیان!»!

هان! یاران امامان در نهان، از پروردگار خویش ترسانند، آمرزش و پاداش بزرگ برای

آنان خواهد بود.

هان مردمان! چه بسیارراه است میان آتش و

پاداش بزرگ.

هان مردمان! خداوند ستیزه جویان ما را

ناستوده و نفرین فرموده و دوستان ما را

ستوده و دوست دارد.

هان مردمان! بدانید که همانا من انذارگرم و

علی مژده دهنده.

هان! که من بیم دهنده ام و علی راهنما.

هان مردمان! بدانید که من پیامبرم و علی

وصی من است.

هان مردمان! بدانید که همانا من فرستاده و

علی امام و وصی پس از من است. و امامان

پس از او فرزندان اویند.

آگاه باشید! من والد آنانم ولی ایشان از نسل  
علی خواهند بود.

### بخش هشتم: حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه

آگاه باشید! همانا آخرین امام، قائم مهدی از  
ماست. هان! او بر تمامی ادیان چیره خواهد  
بود.

هشدار! که اوست انتقام گیرنده از ستمکاران.  
هشدار! که اوست فاتح دژها و منهدم کننده ی  
آنها.

هشدار! که اوست چیره بر تمامی قبایل  
مشرکان و راهنمای آنان.

هشدار! که او خونخواه تمام اولیای خداست.

آگاه باشید! اوست یاور دین خدا.

هشدار! که از دریایی ژرف پیمانه هایی افزون گیرد.

هشدار! که او به هر ارزشمندی به اندازه‌ی ارزش او، و به هر نادان و بی‌ارزشی به اندازه‌ی نادانی‌اش نیکی کند.

هشدار! که او نیکو و برگزیده‌ی خداوند است. هشدار! که او وارث دانش‌ها و حاکم بر ادراک‌هاست.

هان! بدانید که او از سوی پروردگارش سخن می‌گوید و آیات و نشانه‌های او را برپا کند. بدانید همانا اوست بالیده و استوار.

بیدار باشید! هموست که [اختیار امور جهانیان و آیین آنان] به او واگذار شده است.

آگاه باشید! که تمامی گذشتگان ظهور او را پیشگویی کرده‌اند.

آگاه باشید! که اوست حجّت پایدار و پس از او حجّتی نخواهد بود {این تعبیر به عنوان حجّت و امامت است و نظری به رجعت دیگر

امامان ندارد زیرا آنان حجّت های پیشین اند  
 که دوباره رجعت خواهند نمود}}  
 درستی و راستی و نور و روشنایی تنها نزد  
 اوست.

هان! کسی بر او پیروز نخواهد شد و ستیزنده  
 ی او یاری نخواهد گشت.

آگاه باشید که او ولی خدا در زمین، داور او  
 در میان مردم و امانتدار امور آشکار و نهان  
 است.

### بخش نهم: مطرح کردن بیعت

هان مردمان! من پیام خدا را برایتان آشکار  
 کرده تفهیم نمودم. و این علی است که پس از  
 من شما را آگاه می کند. اینک شما را می  
 خوانم که پس از پایان خطبه با من و سپس با  
 علی دست دهید تا با او بیعت کرده به امامت  
 او اقرار نمایید. آگاه باشید من با خداوند و  
 علی با من پیمان بسته و من اکنون از سوی  
 خدای عزوجل برای امامت او پیمان می گیرم.

«[ی پیامبر] آنان که با تو بیعت کنند هر آینه با خدا بیعت کرده اند. دست خدا بالای دستان آنان است. و هر کس بیعت شکند، بر زیان خود شکسته، و آن کس که بر پیمان خداوند استوار و باوفا باشد، خداوند به او پاداش بزرگی خواهد داد.

بخش دهم: حلال و حرام، واجبات و

### محرمات

هان مردمان! همانا حج و عمره از شعائر و آداب و رسوم خدایی است. پس زائران خانه ی خدا و عمره کنندگان بر صفا و مروه بسیار طواف کنند.

هان مردمان! در خانه ی خدا حج گزارید؛ که هیچ خاندانی داخل آن نشد مگر بی نیاز شد و مژده گرفت، و کسی از آن روی برنگردانید مگر بی بهره و نیازمند گردید.

هان مردمان! مؤمنی در موقف (عرفات، مشعر، منا) نماند مگر این که خدا گناهان گذشته ی او را بیامرزد و بایسته است که پس

از پایان اعمال حج [با پرونده ی پاک ] کار خود را از سر گیرد.

هان مردمان! حاجیان دستگیری شده اند و هزینه هی سفرشان جبران می شود و جایگزین آن به آنان خواهد رسید. و البته خداوند پاداش نیکوکاران را تباه نخواهد کرد.

هان مردمان! خانه ی خدا را با دین کامل و دانش ژرفی آن دیدار کنید و از زیارتگاهها جز با توبه و بازایستادن [از گناهان ] برنگردید.

هان مردمان! نماز را به پا دارید و زکات بپردازید همان سان که خداوند عزوجل امر فرموده. پس اگر زمان بر شما دراز شد و کوتاهی کردید یا از یاد بردید، علی صاحب اختیار و تبیین کننده ی بر شماست. خداوند عزوجل او را پس از من امانتدار خویش در میان آفریدگانش نهاده. همانا او از من و من از اویم. و او و فرزندان من از جانشینان او، پرسش هی شما را پاسخ دهند و آن چه را نمی دانید به شما می آموزند.



هان! روا و ناروا بیش از آن است که من شمارش کنم و بشناسانم و در این جا یکباره به روا فرمان دهم و از ناروا بازدارم. از این روی مأمورم از شما بیعت بگیرم که دست در دست من نهید در مورد پذیرش آن چه از سوی خداوند آورده ام درباری علی امیرالمؤمنین و اوصیای پس از او که آنان از من و اویند. و این امامت به وراثت پایدار است و فرجام امامان، مهدی است و استواری امامت تا روزی است که با خداوند قضا و قدر ملاقات انجام گیرد.

هان مردمان! شما را به هرگونه روا و ناروا راهنمایی کردم و از آن هرگز برنمی گردم. بدانید و آگاه باشید! آن ها را یاد کنید و نگه دارید و یکدیگر را به آن توصیه نمایید و در آن [احکام خدا] دگرگونی راه ندهید. هشدار که دوباره می گویم: بیدار باشید! نماز را به پا دارید. و زکات بپردازید. و امر به معروف کنید و از منکر بازدارید.

و بدانید که ریشه ی امر به معروف این است که به گفته ی من [درباره ی امامت] برسید و سخن مرا به دیگران برسانید و غایبان را به پذیرش فرمان من توصیه کنید و آنان را از ناسازگاری با سخنان من بازدارید؛ همانا سخن من فرمان خدا و من است و هیچ امر به معروف و نهی از منکری جز با امام معصوم تحقق و کمال نمی یابد.

هان مردمان! قرآن بر شما روشن می کند که امامان پس از علی فرزندان اویند و من به شما شناساندم که آنان از او و از من اند. چرا که خداوند در کتاب خود می گوید: «امامت را فرمانی پایدار در نسل او قرار داد...» و من نیز گفته ام که: «مادام که به قرآن و امامان تمسک کنید، گمراه نخواهید شد».

هان مردمان! تقوا را، تقوا را رعایت کرده از سختی رستخیز بهراسید همان گونه که خداوند عزوجل فرمود: «البتة زمین لرزه ی روز رستخیز حادثه ی بزرگ است...»

مرگ، قیامت، و حساب و میزان و محاسبه ی در برابر پروردگار جهانیان و پاداش کیفر را یاد کنید. آن که نیکی آورد، پاداش گیرد. و آن که بدی کرد، بهره ی از بهشت نخواهد برد.

### بخش یازدهم: بیعت گرفتن رسمی

هان مردمان! شما بیش از آنید که در یک زمان با یک دست من بیعت نمایید. از این روی خداوند عزوجل به من دستور داده که از زبان شما اقرار بگیرم و پیمان ولایت علی امیرالمؤمنین را محکم کنم و نیز بر امامان پس از او که از نسل من و اویند؛ همان گونه که اعلام کردم که ذریّه من از نسل اوست.

پس همگان بگویید:

البتّه که سخنان تو را شنیده پیروی می کنیم و از آن ها خشنودیم و بر آن گردن گذار و بر آن چه از سوی پروردگارمان در امامت امامان علی امیرالمؤمنین و امامان دیگر - از صلب او - به ما ابلاغ کردی، با تو پیمان می بندیم با دل و جان و زبان و دست هایمان. با

این پیمان زنده ایم و با آن خواهیم مرد و با آن اعتقاد برانگیخته می شویم. و هرگز آن را دگرگون نکرده شک و انکار نخواهیم داشت و از عهد و پیمان خود بر نمی گردیم.

{ای رسول خدا} ما را به فرمان خدا پند دادی درباره ی علی امیرالمؤمنین و امامان از نسل خود و او، که حسن و حسین و آنان که خداوند پس از آنان برپا کرده است. پس عهد و پیمان از ما گرفته شد از دل و جان و زبان و روح و دستانمان. هر کس توانست با دست و گرنه با زبان پیمان بست. و هرگز پیمانمان را دگرگون نخواهیم کرد و خداوند از ما شکست عهد نبیند. و نیز فرمان تو را به نزدیک و دور از فرزندان و خویشان خود خواهیم رسانید و خداوند را بر آن گواه خواهیم گرفت. و هر آینه خداوند بر گواهی کافی است و تو نیز بر ما گواه باش»

هان مردمان! چه می گوئید؟ همانا خداوند هر صدایی را می شنود و آن را که از دل ها می گذرد می داند. «هر آن کس هدایت پذیرفت، به

خیر خویش پذیرفته. و آن که گمراه شد، به زیان خود رفته.» و هر کس بیعت کند، هر آینه با خداوند پیمان بسته؛ که «دست خدا بالای دستان آن هاست».

هان مردمان! اینک با خداوند بیعت کنید و با من پیمان بندید و با علی امیرالمؤمنین و حسن و حسین و امامان پس از آنان از نسل آنان که نشانه ی پایدارند در دنیا و آخرت.

خداوند مگاران را تباه می کند و به باوفایان مهر می ورزد. «هر که پیمان شکنند»

جز این نیست که به زیان خود گام برداشته، و هر که بر عهدی که با خدا بسته پابرجا ماند، به زودی خدا او را پاداش بزرگی خواهد داد.

هان مردمان! آن چه بر شما برگفتم بگویید و به علی با لقب امیرالمؤمنین سلام کنید و بگویید: «شنیدیم و فرمان می بریم پروردگارا، آمرزشت خواهیم و بازگشت به سوی تو است.» و نیز بگویید: «تمام سپاس و ستایش

خدایی راست که ما را به این راهنمایی فرمود  
وگرنه راه نمی یافتیم» - تا آخر آیه.

هان مردمان! هر آینه برتری های علی بن ابی  
طالب نزد خداوند عزوجل - که در قرآن نازل  
فرموده - بیش از آن است که من یکباره  
برشمارم. پس هر کس از مقامات او خبر داد  
و آن ها را شناخت او را تصدیق و تأیید کنید.  
هان مردمان! آن کس که از خدا و رسولش و  
علی و امامانی که نام بردم پیروی کند، به  
رستگاری بزرگی دست یافته است.

هان مردمان! سبقت جویان به بیعت و پیمان و  
سرپرستی او و سلام بر او با لقب  
امیرالمؤمنین، رستگارانند و در بهشت های  
پر بهره خواهند بود.

هان مردمان! آن چه خدا را خشنود کند  
بگویید. پس اگر شما و تمامی زمینیان کفران  
ورزند، خدا را زیانی نخواهد رسانید.

---

پروردگارا، آنان را که به آن چه ادا کردم و  
فرمان دادم ایمان آوردند، بیامرزد و بر  
منکران کافر خشم گیر!

و الحمد لله رب العالمین

منابع خطبه غدیر:

علامه امینی، الغدیر،

جلد ۱ صفحه ۱۲-۱۵۱ و ۲۹۴-۳۲۲

شیخ عبدالله، بحرانی، عوالم العلوم،

جلد ۳/۱۵ صفحه ۳۰۷-۳۲۷

علامه مجلسی، بحار الانوار،

جلد ۳۷ صفحه ۱۸۱-۱۸۲

حر عاملی، اثبات الهداء،

جلد ۲ صفحه ۲۰۰-۲۵۰

سید ابن طاووس، الطرائف،

صفحه ۳۳

فهرست:

مقدمه	.....	۵
نکته های ماجرای غدیر	.....	۷
نکته های فراموش شده	.....	۲۱
پاسخ به بعضی شبهه ها	.....	۲۸
اعتقاداتی در خطبه غدیر	.....	۳۳
آیا میدانید	.....	۳۸
ترجمه خطبه غدیر	.....	۳۹